

# زنان قالب‌ساز، موقعیت و موانع کاری آنها

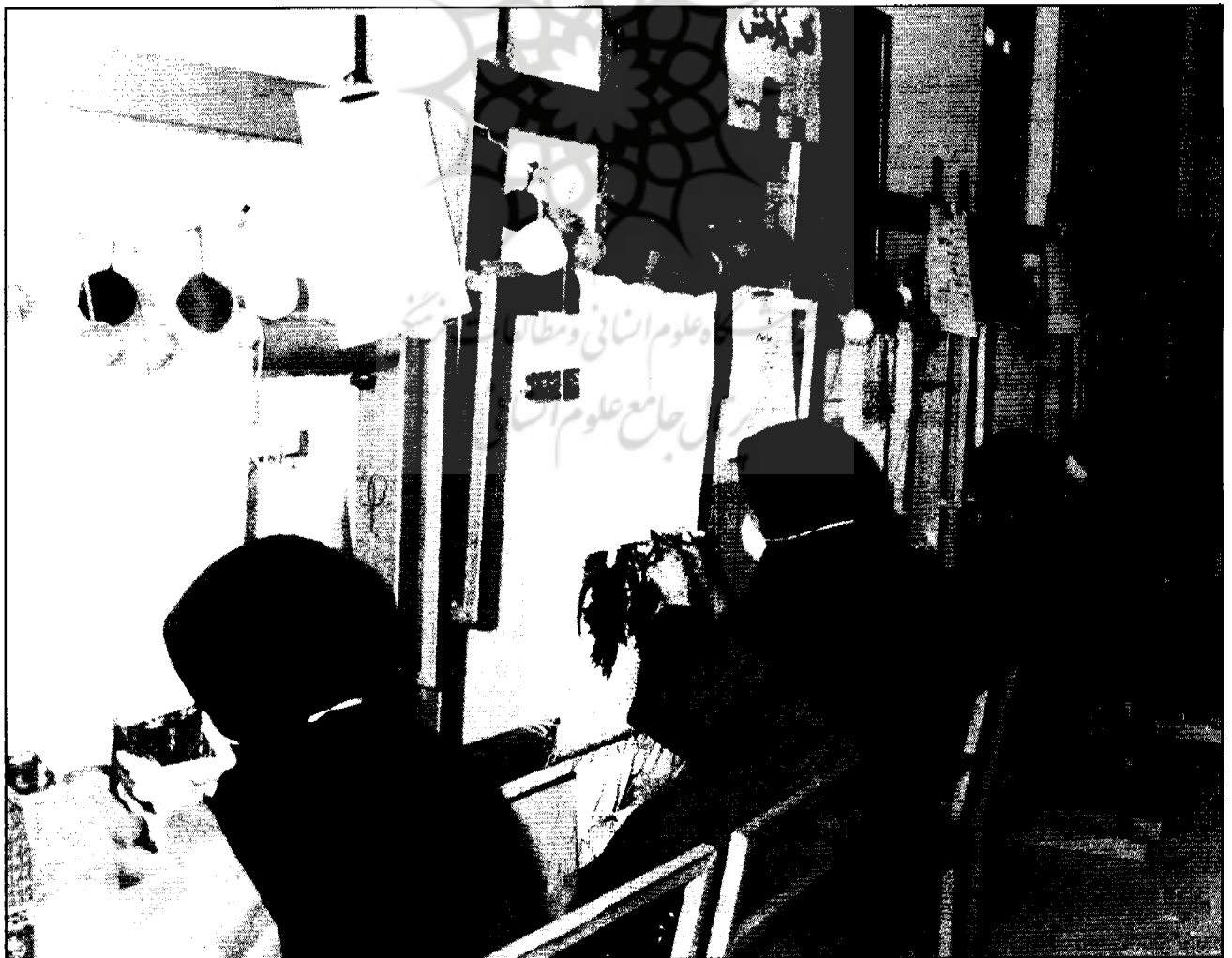
## چکیده

زنان، بویژه زنان روستایی از دیرباز به عنوان یکی از مهره‌های اصلی در بافت قالی و قالیچه شناخته شده‌اند چرا که آنها به دلیل ظرافت، حوصله، اعمال سلیقه و دقت، سازگاری و همخوانی بیشتری با کار بافندگی داشته‌اند.

بافتندگان روستایی که به راستی بخش بزرگی از بافندگان قالی و گلیم را به خود اختصاص می‌دهند، بصورت انفرادی در منازل (تولید فعلی فرش را ۶-۶/۵ میلیون متر مربع در سال در نظر می‌گیرند که از این میزان تولید حدود ۹۴ درصد در واحدهای خانگی صورت می‌پذیرد) و یا به صورت گروهی در کارگاههای بافندگی (۶ درصد تولید در واحدهای کارگاهی صورت می‌پذیرد) به این حرفه اشتغال دارند. (۱۴، ص ۵۰)

لذا مسئله بهداشت محیط کار در کارگاهها و چگونگی احداث ساختمانهای کارگاه بر اساس اصول علمی و بهداشتی (توجه به ابعاد مناسب برای هر بافنده، روشنایی و تهویه مناسب) و از سوی دیگر رفع برخی مشکلات اساسی بافندگان زن که بصورت خانگی به این حرفه اشتغال دارند، از جمله توجه به وضع معیشت و موقعیت کاری آنها، که بخش عمده بافندگان را تشکیل می‌دهند در مقاله حاضر مورد توجه قرار گرفته است.

- آزاده کریمی
- معصومه شمشاد شمس آباد



## خلاصه‌ای از تاریخچه فرش

بخش مهمی از تاریخ فرش جهان در حاله‌ای از ابهام است، با این حال عده بسیاری از محققان اعتقاد دارند که منشا اصلی تولید فرش از ایران سرچشمه گرفته است. قالی در ابتدا در میان ایلات و قبایل صحرائشین که کار اصلی آنها دامداری بوده پدیدار گردیده است.

در بررسی‌های تاریخی دیده شده که این زنان بوده‌اند که پس از فراگیری فن بافت پارچه و سبد، به فراگیری و بافت قالی پرداخته‌اند، بطوریکه در بدو امر به بافت ساده گلیم می‌پرداختند و یقیناً روش بافت فرشهای کنونی از روش بافت گلیم اقتباس شده است.

عالیترین نمونه قالی ایران در نوشته‌ها و آثار مختلف مربوط به دوره صفویه بیان شده که سبب گردید ایرانیان به عنوان استادان اصلی در طراحی و قالیبافی معرفی گردند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و رونق صنعت قالیبافی در کشور، بجز شرکت سهامی فرش، نهادها و اداراتی چون جهاد سازندگی سابق، کمیته امداد امام خمینی (ره) و شرکت‌های بزرگ دیگر نیز در این زمینه به سرمایه‌گذاری پرداخته‌اند.

## زنان و قالیبافی

یکی از شاخص‌ترین منابع درآمد زنان روستایی صنایع دستی است، بطوریکه از تعداد ۱۰۵۶۸۸۰ خانوار، ۳۱۴۳۸۶ نفر از زنان به تولید انواع منسوجات می‌پردازند (۱۱، ص ۱۵). که در این میان هنر و صنعت قالیبافی از اهمیت بیشتری برخوردار است و همواره یک پیوستگی و ارتباط قوی با زنان روستایی داشته و اغلب این زنان روستایی بوده‌اند که در بیشتر استانهای کشور (جز در تبریز که بیشتر بافندگان را مردان تشکیل می‌دهند) عهده‌دار این کار و حرفه شریف بوده‌اند. از جمله دلایلی که باعث شده تا زنان به بافت قالی بپردازند، به دست آوردن درآمد مستقیم، کار مطمئن‌تر، همخوانی بیشتر آن با آداب و فرهنگ و ویژگیهای روستا، کار در منزل و تا حدودی ساده‌تر بودن آموختن فن قالیبافی در مقایسه با سایر کارها، را می‌توان نام برد.

علاوه بر موارد مطرح‌شده فوق یکی از دلایل اصلی انتخاب این حرفه و استقبال بیشتر از بافت قالی در مقایسه با سایر کارها، باصرفه‌تر بودن بافت قالی و درآمدزایی بیشتر آن در کنار سایر کارهای زنانه می‌باشد، بطوریکه تحقیقات به عمل آمده در روستای گرماب واقع در بخش رخ از توابع شهرستان تربت حیدریه مبین این است که ارائه یک دوره آموزش مهارتی قالیبافی برای زنان روستایی، میزان درآمد آنها را که پیش از اجرای دوره از وجین چغندر قند روزانه دو هزار ریال بود، پس از فراگیری آموزش قالیبافی ۱۰۰ درصد رشد داده و به مبلغ چهار هزار ریال در همان بخش رسانید (۳، ص ۴۶).

کار زنان روستایی در زمینه قالیبافی را می‌توان از چند نظر مورد بررسی قرار داد، اول از نظر کار فرهنگی، بدین معنا که فرش در واقع بخشی از فرهنگ است. طرحها و نقشهای عامیانه‌ای که بر فرش دستباف نقش می‌بندد در واقع جلوه‌ای از ذوق و هنر زن روستایی است که با آنچه در اندیشه و فطرت اوست پیوستگی دارد. زن روستایی نقش و نگارها را که نشان از نیروی آفرینش و ذوق و هنر دارد از زندگی

صنعت فرش در میان صنایع دستی ایران از موقعیت خاصی برخوردار است و فرش دستباف ایران در حوزه صادرات غیرنفتی کشور مقام اول را دارا می‌باشد، بطوری که معادل ۳۵ درصد از درآمد صادرات غیرنفتی کشور، حدود ۳ درصد از درآمد ناخالص ملی کشور (۴، ص ۳)، از طریق صنعت فرش تامین می‌شود. به بیان دیگر بعد از نفت مهمترین متاع صادراتی و ارزآور ما فرش است که برای تولید این متاع، ۱۲ میلیون نفر (۱، ص ۸۸) از جمعیت کشور در این عرصه اشتغال داشته و از طریق آن امرار معاش می‌کنند.

قالیبافی از جمله صنایعی است که قشر زنان در تولید آن نقش عمده‌ای ایفاء می‌نمایند، بطوریکه طبق آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۳ از میان ۹۶۲۵۹۰ خانوار تعداد ۱۸۷۹۸۷۸ نفر که به بافت قالی و قالیچه اشتغال داشتند، ۳۰۷۸۹۰ نفر را مردان و تعداد ۱۵۷۱۹۸۸ نفر را زنان تشکیل می‌دادند. بنابراین می‌توان گفت که زنان با داشتن استعداد ذاتی و پشتکار و علاقه توانسته‌اند یکی از پایه‌های مهم تولید فرش در کشور باشند، لذا جای شگفتی نیست که هرگاه سخن از قالیبافی به میان می‌آید ناخودآگاه زنان را در پشت دارهای قالی مجسم می‌نماییم.

زنان به علت دقت و ظرافتی که در کارشان دارند، در زمینه قالیبافی موفق‌تر عمل نموده و کارشان نمود و جلوه بهتری یافته است، از طرفی

**کار زنان روستایی در زمینه قالیبافی را می‌توان از چند نظر مورد بررسی قرار داد. اول از نظر کار فرهنگی، بدین معنا که فرش در واقع بخشی از فرهنگ است. طرحها و نقشهای عامیانه‌ای که بر فرش دستباف نقش می‌بندد در واقع جلوه‌ای از ذوق و هنر زن روستایی است که با آنچه در اندیشه و فطرت اوست پیوستگی دارد. زن روستایی نقش و نگارها را که نشان از نیروی آفرینش و ذوق و هنر دارد از زندگی روزمره برمی‌گیرد و تصاویر موجود در فرهنگ یک جامعه را در طرحها متجلی می‌نماید.**

۶۵ درصد صادرات صنایع دستی را گلیم تشکیل می‌دهد که ۹۰ تا ۹۵ درصد بافت آن توسط زنان انجام می‌شود. بنابراین رکن اصلی در تولید این محصول را نیز زنان تشکیل می‌دهند بطوریکه ۵۰ درصد صادرات صنایع دستی و از این میزان ۶۵ تا ۱۰۰ درصد بافت قالی در مطالعات استانی، کار هنرمندانه زنان می‌باشد (منبع شماره ۲).

روزمره برمی‌گیرد و تصاویر موجود در فرهنگ یک جامعه را در طرحها متجلی می‌نماید. در واقع زن روستایی حلقه اتصال فرهنگ گذشته تا به امروز بوده است. با این همه امروزه متأسفانه به دلیل بروز مسائل اقتصادی، جنبه‌های فرهنگی فرش تحت‌الشعاع قرار گرفته است.

دوم از نقطه نظر ارزش اقتصادی یعنی درآمد، که یکی از عوامل بسیار موثر است و نقش بسیار زیادی در جذب و توسعه اقتصادی در جوامع ایفای می‌نماید، در واقع عامل اصلی ایجاد انگیزه در زنان روستایی به منظور مشارکت در فعالیتهای مختلف اقتصادی از جمله بافندگی است، زیرا لزوم کسب درآمد رکن مهمی از زندگی خانوارهای روستایی را تشکیل می‌دهد. کار زن در زمینه قالیبافی سبب ایجاد درآمد مستقیم و ایجاد اشتغال کامل، کاهش هزینه، افزایش تولید، افزایش درآمد خانوار روستایی و همچنین باعث ارتقاء ارزش فرهنگی و اجتماعی وی می‌گردد.

زنان روستایی یا بصورت کنترلی کار کرده (یعنی بدون توجه به مقدار بافت بصورت روزانه و یا بر اساس توافق با صاحب کار از او مزد دریافت میدارد) و یا اینکه خودشان بصورت مستقل به بافندگی می‌پردازند و محصول تولیدی را می‌فروشند. طبق آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران، در کل کشور ارزش تولید ۵۰۹۳۸۲۷ مترمربع قالی و قالیچه در سال ۱۳۷۳ که افراد به حساب خودشان بافته‌اند، مبلغ ۱۴۰۴۵۸۳۶۳۵ ریال و ارزش تولید ۲۳۸۹۷۶۷ مترمربع که در همان سال به حساب دیگران بافته شده است، مبلغ ۲۵۱۱۶۰۳۸۷ ریال بوده است.

### توصیه های بهداشتی در خصوص کارگاههای بافندگی زنان قالیباف:

کارگاه قالیبافی در واقع حکم مکان کار را برای زن روستایی دارد. بنابراین توجه به بهداشت و اصول علمی و ایمنی در کارگاهها بسیار حائز اهمیت است، چرا که هم بافندگان و هم سایر افرادی که با کار قالیبافی در ارتباطند، به کارگاه رفت و آمد دارند و یا ساعات زیادی از زندگی روزانه خود را در آن محل می‌گذرانند، لذا توجه به بخشی از اصولی که باید در ساخت کارگاهها رعایت شود، ضروری می‌نماید. در اینجا به طور مختصر سه مسئله نسبتاً مهم در این زمینه را بیان می‌نماییم:

#### جدول شماره ۱

آمار مساحت (بر حسب مترمربع) و ارزش تولید (بر حسب ریال) قالی و قالیچه توسط خانوارهای دارای این صنعت در ۵ استان کشور

استان	خراسان	آذربایجان شرقی	فارس	اصفهان	آذربایجان غربی
به حساب	۱۰۱۵۰۳۱	۷۱۳۳۴۳	۳۰۴۰۲۶	۵۹۵۵۸۹	۲۰۹۰۲۶
ارزش خود	۱۶۸۶۵۰۸۳۱	۴۲۳۶۸۹۲۸۶	۴۹۶۰۷۴۷۷	۱۹۹۱۲۱۷۹۹	۱۲۴۷۱۵۷۴۰
به حساب	۲۸۳۳۹۲	۱۲۳۷۹۴	۸۳۴۸۷۹	۳۸۲۳۴۶	۳۱۵۳۹
ارزش دیگران	۱۹۷۰۱۲۲۰	۳۲۹۱۴۵۹۶	۲۵۳۰۲۶۰۹	۷۸۱۴۸۷۴۵	۱۰۲۷۱۳۲۷

### ابعاد مناسب کارگاه:

در یک کارگاه قالیبافی اختصاص حداقل سه متر مربع فضای ویژه برای هر قالیباف و نیم متر مربع برای دستگاه گرمایشی ضروری است. (سطح مورد نیاز برای چنین کارگاهی برابر ده و نیم متر مربع خواهد بود). برای نگهداری از کلافها و سایر مواد مورد نیاز قالیبافی بایستی از یک انبار جداگانه استفاده نمود. ارتفاع محل کار برای تأمین فضای تنفسی و ایجاد محیط با نشاط، ۳/۵ متر مربع تعیین شده است. در ساخت کارگاهها علاوه بر رعایت در استفاده از مصالح خوب بایستی از اصول مهندسی جهت ایجاد استحکام کافی بهره برد. وجود پنجره و دریچه ای برای تهویه نیز لازم است. دیوارها و سقف نیز بایستی سفید کاری شده و دارای رنگ روشنی باشند. کف کارگاه باید بصورت مسطح بتون ریزی شده و محل ورودی کارگاه بایستی در دید قالیباف قرار داشته باشد و در آخر نصب جعبه کمکهای اولیه نیز در کارگاه کاملاً ضروری است (۴، ص ۴).

### روشنایی کارگاه:

تأمین نور برای بافندگان و بویژه بافندگان خانم در کارگاهها از اهمیت بسیار برخوردار است. بر اساس بررسی های به عمل آمده در طرح بقاء در بخری از روستاها، درصد بالایی از قالیبافان ما دچار

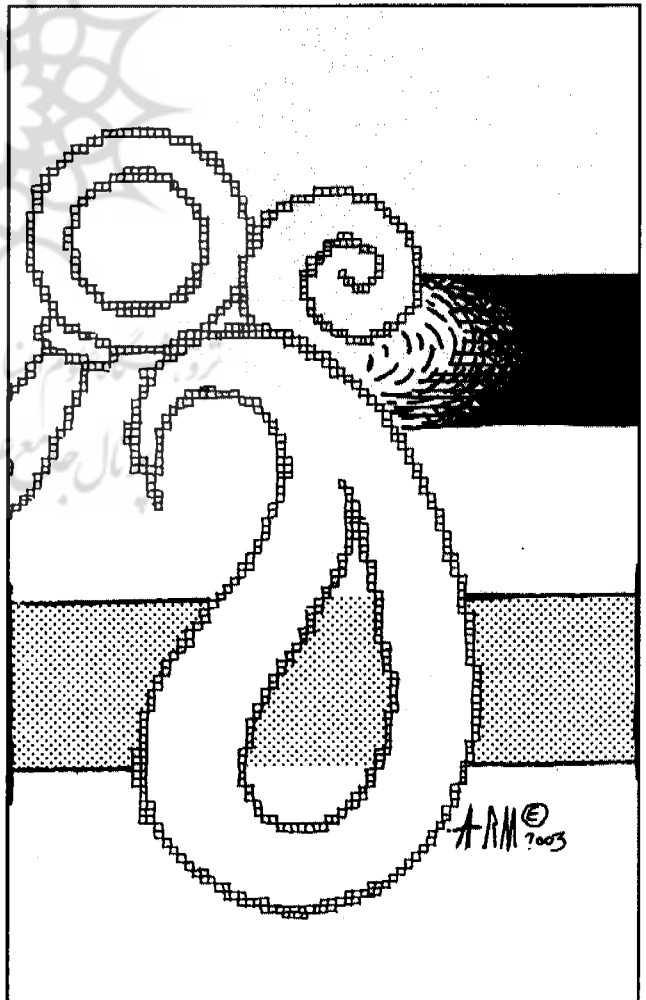
بسیار کمبود نور در میان صنایع دستی ایران از مولعیت خاصی برخوردار است و ارزش دستباف ایران در حوزه صادرات غیرنفتی کشور مقام اول را دارا می‌باشد. بطوریکه معادل ۳۵ درصد از درآمد صادرات غیرنفتی کشور، حدود ۳۰ درصد از درآمد ناخالص ملی کشور، از طریق صنعت فرش تامین می‌شود. به عنوان دیگر بعد از نفت مهمترین متاع صادراتی و ارزآوری ما فرش است که برای تولید این متاع، ۱۲ میلیون نفر از جمعیت کشور در این عرصه اشتغال داشته و از طریق آن امرار معاش می‌کنند.

بیماری های چشمی شده اند ، چرا که کارهایی که نیاز به دقت بالایی دارند موجب ضعف تطابق چشم می گردد.

بطور کلی برای یک کارگاه قالیبافی با توجه به نوع منبع و فاصله دار قالی با منبع نور و زاویه تابش نور بایستی منبع نور مناسبی را برای کارگاهها در نظر گرفت. لامپهای قابل توصیه برای تأمین نور کارگاههای قالیبافی لامپهای مهتابی با بهره نوری ۲۳-۱۷ لومن بر وات و لامپهای فلورسنت با بهره نوری ۸۰-۵۰ لومن بر وات می باشد. برای راحتی کار توصیه شده که لامپها مستقیم در دید بافنده قرار نگیرند و ایجاد خیرگی ننمایند. بهتر است برای استفاده بهینه از روشنایی روز از پنجره های نسبتاً بزرگ استفاده گردد و طوری نصب شوند که نور را در طول روز بطور یکنواخت به همه جای کارگاه برسانند (همان، ص ۵).

## تهویه هوای کارگاه :

در اثر گاز کربنیک حاصل از تنفس ، گردوغبار معلق در هوا ، پرهزای ناشی از کار بافندگی و ... ، امکان ایجاد انواع بیماری ها برای بافندگان وجود خواهد داشت. لذا تعبیه دریچه ها و پنجره هایی برای تهویه هوای کارگاه امری الزامی است ، که در صورت عدم حصول شرایط فضای آزاد می توان از هواکشهای برقی استفاده نمود. تأمین هوای کارگاه باید به گونه ای باشد که حداقل در هر ساعت ۵۰-۳۰ متر مکعب هوای تمیز برای تنفس هر کارگر در اختیار او قرار گیرد. از سوی دیگر



درجه حرارت کارگاه برای راحتی و آرامش کار قالیبافان بسیار مهم و حائز اهمیت است و باعث بازدهی بیشتر کار او می گردد. لذا هر کارگاه بایستی دارای وسایل گرمایی و سرمای مناسب باشد. بر اساس داده های سازمان بین المللی استاندارد ، هوای مطلوب کارگاه در فصل زمستان بین ۲۵-۲۴ درجه سانتی گراد و در فصل تابستان ۲۶-۲۳ درجه تعیین شده است. (همان ، ص ۷).

## ارائه برخی از مسائل و مشکلات زنان قالیباف :

مشکلات کاری زنان روستایی بافنده را می توان به دو دسته ، مشکلات فیزیکی یا جسمانی و غیر فیزیکی تقسیم نمود .

### ۱- مشکلات فیزیکی :

الف - عده ای از دختران قالیباف به دلیل فقر و عدم توجه به بهداشت و سلامت ، گرفتار عوارضی چون عدم رشد طبیعی ناشی از اختلالات هورمونی ، گوزپستی ، کجی پاها ، بی قواره شدن اندامها و پژمردگی پوست صورت و حتی سفیدی موی سر و پیری زودرس ، کوتاهی قد و احیاناً اختلالات شخصیتی ، عاطفی و رفتاری می گردند ، که در نتیجه از حق طبیعی ازدواج و تشکیل خانواده محروم شده و طبعاً مورد پسند واقع نمی گردند.

ب- نشستن پشت دار قالی آن هم در اغلب موارد بصورتی غلط ، باعث فشار بر تاندونها ، مفاصل و اندامهای تحتانی و عضلات پشت و ستون فقرات می گردد که احساس درد و ناراحتی روزمره افراد در هنگام کار یا پس از کار سبب بروز عوارض مختلفی چون تغییر شکل اسکلت ، واریس ، تورم و درد مفاصل و انقباض عضلانی و ... می گردد.

ج- بیماری های تنفسی ، آلرژی و حساسیت در اثر کار در هوای کارگاه که دارای گردوغبار ، میکروب و پرهزای پراکنده است و ساییدگی ، نازک شدن و خشکی نوک انگشتان دست و متورم شدن مفاصل ، حساسیت پوست به رنگهای خامه قالی به همراه سردردهای مزمن و خفیف از دیگر مشکلات زنان بافنده بحساب می آید.

برای جلوگیری و یا کاهش برخی از این امراض بایستی موارد بهداشتی را در هنگام کار رعایت نمود، مثلاً استفاده از لباس کار مناسب و ماسک در هنگام کار ، استفاده از دستکش در هنگام رنگ آمیزی تارهای قالی ، خودداری از تماس نخهای قالی با دهان ، تغذیه صحیح بافندگان بطوری که کلیه ویتامین ها و به ویژه ویتامین D و کلسیم مورد نیاز بدن آنها تأمین شود.

استفاده از زیر پا بطوری که در هنگام کار پاها آویزان نباشد ، محل نشستن پشت دار قالی طوری باشد که فرد احساس راحتی نماید و سبب تغییر شکل ستون فقرات او نگردد ، از جمله پیشنهاداتی است که برای کاهش مشکلات و امراض زنان بافنده ضروری است.

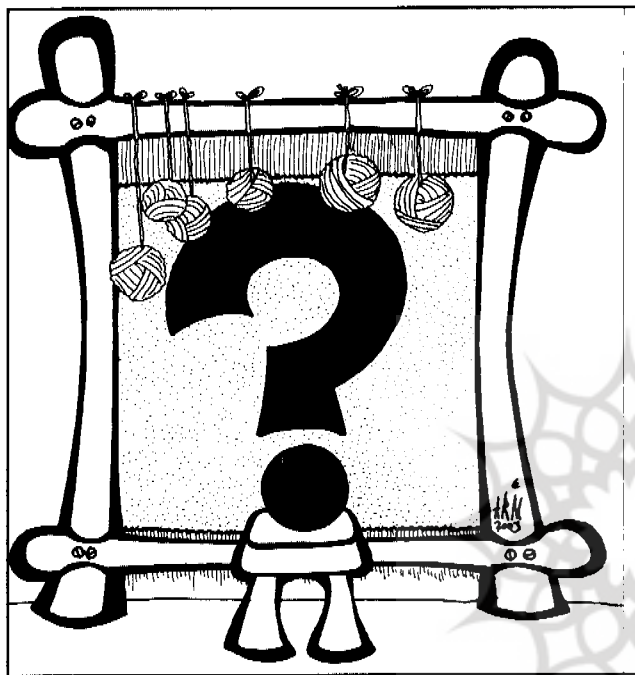
### ۲- مشکلات حرفه ای :

الف - زنان روستایی بافنده دسترسی کافی به خدمات مؤسسات مالی و اعتباری ندارند. آنها در بازار مالی در مقایسه با سایر تولید کنندگان مرد با محدودیت های بیشتری رو به رو هستند.

ب- مشکل دیگر زنان شاغل در این حرفه این است که بیمه ندارند و کارگر تلقی نمی شوند و با وجود کمکی به اقتصاد می نمایند مورد

## ارائه برخی پیشنهادات برای حل مشکلات زنان بافنده

صنعت فرش می تواند به عنوان یک عامل مؤثر برای ایجاد اشتغال و درآمدزایی در روستاها و مناطقی که در مسیر توسعه صنعتی قرار نگرفته اند مطرح باشد و مانع از مهاجرت بی رویه روستائیان به شهرها گردد. بی شک رشد اقتصادی جوامع روستایی در گرو استفاده بهینه از کلیه امکانات و موقعیتهای بالقوه و بالفعل است که در کشور وجود دارد و سهم صنعت فرش (که از دیرباز با فرهنگ جوامع روستایی ما عجین است) در این میان پوشیده نیست. لذا توجه به معیشت زنان



روستایی می تواند سبب گرایش بیشتر آنها به این حرفه و در نتیجه تحول صنعت فرش و بهبود وضعیت بافندگان زحمت کش گردد. لذا برای بهبود موقعیت کاری زنان روستایی پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می گردد:

- ۱- دولت بایستی با دادن تسهیلات لازم به زنان بافنده آنها را به ادامه کار ترغیب نماید.
- ۲- بالا بردن درآمد و کیفیت کار به وسیله آموزشهای مهارتی مناسب (آموزش قالیبافی بصورت صحیح) به زنان روستایی و علامت گذاری فرشهای با کیفیت و خوب به وسیله تعاونی های مربوطه.
- ۳- دولت و دست اندرکاران صنعت قالیبافی اقدامات لازم را جهت خرید فرش تولیدی اعضا و سپس فروش آن انجام دهند و در این راستا سیاستها و خط مشی های ضروری را جهت بازاریابی در داخل و خارج از کشور اتخاذ نمایند.
- ۴- ایجاد کارگاههای مناسب زیر نظر تعاونی ها و بکارگیری بافندگان بطور رسمی در این کارگاهها، بطوری که از کلیه حقوق کارگری (از جمله بیمه، تهیه مواد اولیه مورد نیاز، برقرار ساختن ارتباطی مؤثر بین بافندگان و ارگانهای مورد نظر آشنا ساختن بافندگان با نیاز و سلیقه روز بازار برای مصارف داخل و خارج از کشور، خرید

حمایت آموزشی قرار نمی گیرند، هر چند که در زمینه بیمه آنها فعالیتهایی با همکاری نمایندگان مجلس و صادرکنندگان فرش صورت پذیرفته، با این حال هنوز در برخی از کارگاههایی که به صورت پنهانی فعالیت می نمایند، بافندگان بیمه نبوده و این امر با توجه به امراضی که در اثر کار بر بافنده عارض می شود یکی از بزرگترین مشکلات تلقی می گردد.

ب- تهیه مواد اولیه و کمبود نقدینگی از دیگر مشکلات زنان قالیباف است که آنها را گرفتار سلف خرما و دلان نموده و باعث آسیب پذیری بیشتر آنها می گردد.

ت- عدم برخورد کارشناسانه و تخصصی با مشکلات و موانع پیش روی بافندگان و بطور کلی با مقوله فرش و نداشتن اطلاعات کافی و بی خبری از صورت مسئله، یکی دیگر از موانع و مشکلات بافندگان است.

ث- استفاده از اطفال کمتر از ۱۲ سال در کار قالیبافی، با وجود شدت عمل وزارت کار در جلوگیری از اشتغال کودکان، اغلب در کارگاههای بافندگی دیده می شود. که استفاده از کودکان و به خصوص از دختر بچه ها در کار علاوه بر خطرات احتمالی که برای آنها دارد باعث می گردد کودکان از حق طبیعی خود برای بازی کردن و گذراندن دورانی کودکی خود استفاده نکرده و از آنها به عنوان یک منبع درآمد سوء استفاده گردد.

ج- استفاده از روشهای غلط و سنتی برای تولید فرش و روشهای استعمارگرانه سبب می گردد تا دستمزد کمتری به زن بافنده تعلق گرفته و در نتیجه از حقوق حقه خود محروم گردد.

چ- فقدان امکانات بازاریابی و فروش برای زنان روستایی و بویژه آنهایی که برای صاحب کار سودجو، کار می کنند سبب گردیده آنها نتوانند محصول تولیدی خود را به راحتی به فروش رسانیده و یا مجبور به فروش آن به قیمت بسیار نازلی می شوند.

ح- بیسوادی و عدم آموزشهای صحیح به زنان روستایی و یا عدم دسترسی آنها به مراکز یکی دیگر از مشکلات پیش روی بافندگان روستایی است.

خ- توقف بافندگان ماهر بر روی بافت فرشهای تکراری و یکنواخت و یا به عبارتی یکنواختی در بافت باعث محدود شدن کار بافندگی آنها و از میان رفتن میل به نوآوری در آنها شده و این امر سبب کاهش انگیزه و سرکوبی استعداد در آنها می شود.

د- افزایش تبلیغ فرش ماشینی و ایجاد رکود در بازار فرش دستباف بصورت غیر مستقیم در راه رشد و افزایش علاقه زنان بافنده روستایی به ادامه کار در این حرفه ایجاد مانع نموده است.

ذ- گرانی مواد اولیه و پایین بودن قیمت فرش و عدم حمایت صحیح دولت از زنان روستایی، کمبود مواد اولیه مورد نیاز و مشکلات مربوط به نوسانات قیمتها، از دیگر عوامل کم شدن علاقه و انگیزه زنان بافنده برای ادامه کار در این حرفه است.

ر- ثبات نسبی تکنولوژی بکار رفته در صنعت قالیبافی در طی دوره های طولانی و اتکای فوق العاده تولید به نیروی کار بدنی، فرسودگی زودتر از موعد زنان روستایی بافنده را به دنبال داشته است.

و فروش محصولات تولیدی زنان روستایی و قطع دست واسطه ها و دلالان و ... برخوردار گردند.

۵- اتخاذ سیاستهای مالی و اعتباری لازم و مناسب با توجه به اصول تعاونی ها از سوی ارگانهای مربوطه

۶- اصلاح نحوه اخذ مالیات و نظارت دولت بر کلیه مراحل تولید در کارگاهها.

۷- توجه و تأکید بر اینکه تا زمانی مشکل تولید کنندگان فرش - که بیشترین قشر آن را زنان روستایی تشکیل می دهند - برطرف نگردد مشکل تولید و صادرات فرش نیز حل نخواهد گشت.



بازدید قرار گرفته و ساختمانهای نامناسب با ارائه تسهیلات و پرداخت وام، مرمت و بازسازی گردید. همچنین عده ای از بافندگان نیز تحت پوشش کمیته امام (ره) قرار گرفته، بطوری که طبق آمار ارائه شده از سوی کمیته امداد امام (ره) در پایان سال ۱۳۷۷، مددجویان تحت پوشش این کمیته طی طرحهای خودکفایی نسبت به بافت ۱۱۷۲۳ تخته فرش به متر اژ ۴۸۲۰۳ متر مربع و تعداد ۷۲۵۵ تخته گلیم به متر اژ ۱۹۴۷۳ متر مربع اقدام نموده اند. (آمار دقیقی از تعداد زنان بافنده در اختیار نبود.) با این همه باز هم توجه به معیشت تولید کنندگان که بخش نسبتاً بزرگی از زنان روستایی می باشند و ارائه آموزشهای مهارتی و بهداشتی آنها لازم و ضروری می نماید. در کنار توجهاتی که به صنعت فرش می شود در نظر گرفتن زنان روستایی به عنوان بیش از نیمی از نیروی کار فعال در این شاخه (حدود ۱۵۷۱۹۸۸ نفر از میان ۹۶۲۵۹۰ خانوار، با متوسط ۱۶۸ روز اشتغال در سال) باید مورد توجه دستگاههای مربوطه قرار گیرد و تسهیلات مورد نیاز آنها (مانند پرداخت سوسید از سوی دولت برای کاهش قیمت مواد اولیه مورد نیاز زنان روستایی) در جهت ترغیب بیشتر آنها به فعالیتهای تولیدی صورت گیرد) هرچند از سوی تعاونی ها و امهایی به بافندگان ارائه می گردد که اغلب بافندگان آن را کافی نمی دانند. نظارت و کنترل اساسی بر وضعیت کارگاههای بافندگی از نظر علمی و بهداشتی، ضرورتی است که مشکلات فیزیکی بافندگان زن را برطرف نموده و یا کاهش می دهد.

### منابع مورد استفاده

- ۱- پرویزیان، حسن، گذری و نظری بر معیشت تولید کنندگان و صادرکنندگان فرش دستباف ایران، مجله فرش دستباف ایران، صص ۸۹-۸۸
- ۲- توانا علمی، فاطمه، نگاهی به حضور زنان در عرضه تولید صنایع دستی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۳- صابری، علی اکبر، آموزش مؤثر مهارتی زنان و نقش آن در توسعه اقتصادی روستا، مجله جهاد شماره ۱۷۰، صص ۲۴.
- ۴- تجلیلی، محمد حسن، بهسازی کارگاههای قالیبافی، مجله جهاد، شماره ۲۰۶-۲۰۷، صص ۳.
- ۵- گزارش فرش دستباف و وضعیت اجتماعی و اقتصادی تولید کنندگان استان خراسان، وزارت جهاد سازندگی سابق.
- ۶- بهداشت محیط کارگاه، شاخه کار و دانش، رشته هنر قالیبافی، اداره تدوین متون مرکز نشر و تصویر جهاد سازندگی (سابق)، ۱۳۷۵.
- ۷- صنعت فرش ایران در انتظار تحول و دگرگونی، ماهنامه جاده ابریشم، تیرماه ۱۳۷۷، صص ۷۷.
- ۸- زنان، بانیان هنر قالیبافی، مجله محراب هنر، سال نهم، شماره هشتم، صص ۵۵-۵۴.
- ۹- مرکز آمار ایران (۷۳ ۱۳۷۲)، سالنامه آماری، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- ۱۰- گزارش آماری (۱۳۷۷)، کمیته امداد امام خمینی (ره).
- ۱۱- کاظم زاده، سمیه، فرشباغها محروم از مزد هنر آفرینی خویش.
- ۱۲- گزارش هشتمین نمایشگاه فرش ایران، مجله اتاق بازرگانی، مهرماه ۷۸، صص ۵۰.

### سخن پایانی

با توجه به مطالب بیان شده، اگر یک بازنگری کامل از کلیه مراحل تولید تا صدور فرش به بازارهای جهانی صورت گیرد در خواهیم یافت که صنعت فرش دارای آن قابلیت که بتواند علاوه بر ایجاد اشتغال تعداد زیادی از اقشار جامعه، ارزش افزوده فراوانی را نیز نصیب کشور نماید. البته نایستی اقداماتی را که تاکنون در زمینه بهبود حال بافندگان از سوی ارگانهای مربوطه صورت پذیرفته فراموش نماییم. بطوری که در طی چند سال گذشته با اجرای طرح بقاء در اغلب شهرها و روستاهای کشور از سوی وزارت جهاد سازندگی سابق و همکاری سازمان های دیگر به مرحله اجرا گذاشته شده و هدف از اجرای آن سالم سازی و ایجاد فضای مناسب از نظر بهداشتی و مهندسی برای کارگاههای بافندگی بود، به گونه ای که ساختمانهای کارگاهها مورد